

به بهانه توزیع در شبکه خانگی

نگاهی به سریال «رهایم کن»

یادداشت زیر را درباره سریال «رهایم کن» بخوانید.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد دیماسی نویسنده، در قالب یادداشتی درباره سریال «رهایم کن» که در شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود به طرح نکاتی درباره حواشی این مجموعه پرداخته است.

متن یادداشت را در زیر می‌خوانید:

«درباره اوضاع بی‌حساب شبکه نمایش خانگی / رها کرده‌ایم!

بحث و گفت‌وگو در مورد سریال «رهایم کن» زیاد است. سریالی که با انتقاد شدید فنی و محتوایی روبه رو شده و تهیه‌کننده آن، این نقدها را صرفاً یک حرکت رسانه‌ای و نتیجه بالا گرفتن دعوای صداوسیما، وزارت ارشاد، سکوه‌های نمایش خانگی و ساترا می‌داند.

سریال رهایم کن در نگاه اول با بازی بازیگرانی مثل محسن تنابنده، هوتن شکیبا، یوسف تیموری، آزاده صمدی، هدی زین‌العابدین، حسن معجونی، بابک کریمی، مهدی حسینی‌نیا، شهرام قاضی، مونا احمدی و همچنین تصویر فضایی که در دهه‌های گذشته روایت می‌شود، بیننده را به خود جذب می‌کند.

تصویری که هم از جهت طراحی صحنه و لباس و هم به لحاظ جنس تصویر از کیفیت قابل قبولی برخوردار است. اما سریال رهایم کن که حالا به ایستگاه سیزدهم خود رسیده است، رویکرد و زاویه نگاهی با خود دارد که نیازمند بازنگری جدی است.

این سریال قصد دارد فضای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قبل از انقلاب را به تصویر بکشد. داستان حول محور خانواده‌ای می‌گردد که جای خالی مادر در آن حس می‌شود. این خانواده پدری مستبد دارد که هریک از فرزندان زخم‌خورده رفتارهای او هستند. فضای حاکم بر داستان بر محور دروغ و ترس و طمع می‌چرخد و هریک از شخصیت‌ها رازهای ناگفته‌ای دارند که با فاش شدن آن مشکل جدی رخ می‌دهد.

داستان سه ضلع دارد؛ یکی ماجرای معدن، مشکل مالی کارگران و قتل یکی از کارگران. دوم اتفاقی که برای دختر خانواده افتاده. او به دلیل علاقه زیاد به یک خواننده معروف با او ارتباط گرفته و با دعوت‌نامه‌ای که از او دریافت کرده، دور از چشم خانواده با او ملاقات می‌کند و شبی را با او می‌گذراند. ضلع سوم داستان ماجرای ارتباط حاتم (پسر بزرگ خانواده) با پرستار فرزندش، که به دلیل همین رابطه با برادر کوچک‌ترش، رابطه‌ای مثلثی را شکل داده است.

قهرمان داستان حاتم است که محسن تنابنده نقش آن را بازی می‌کند. حاتم قصد دارد بار این زندگی را به دوش بکشد و در هر کدام از این سه ضلع داستان موفق بیرون بیاید. البته داستان نقاط گنگی هم دارد که شاید در ادامه رفع شود. اما چیزهایی که در بستر این روایت به چشم می‌خورد و حال و هوای جدیدی را نسبت به آثار گذشته سریال در ایران به تصویر می‌کشد، اتفاق‌ها و موقعیت‌هایی است که قبلاً فقط سخنی به کنایه از آن‌ها به میان می‌آمد، ولی تا این حد به تصویر کشیده نمی‌شد و در آن اغراقی صورت نمی‌گرفت.

طرح موضوع بی‌محابایی دختر خانواده در برقراری ارتباط با یک مرد و خیانت جنسی آن مرد و تبدیل شدن آن به یکی از محورهای داستان یکی از این مصداق‌هاست. اگر این نوع روایت را به‌عنوان طرح یک آسیب اجتماعی بپذیریم، وقتی برای مخاطب آورده خواهد داشت که مذموم واقع شود. ولی به‌طور ناباورانه‌ای در «رهایم کن» این روند چندان هم منفی نیست. آنجا که دختر خانواده برای حل موضوع حاملگی و لکه ننگی که برای خانواده پیش آمده، خود را در قاب تصویر کارگردان به همسر صوری خود عرضه می‌کند و بی‌محابا از ادبیات نامتعارفی برای موضوع رابطه جنسی استفاده می‌کند.

طرح این موضوع از یک‌سو و نشان دادن صحنه‌هایی غیرمتعارف درباره این موضوع از سوی دیگر، بسیار قابل تأمل است. مطلب دیگری که در سریال‌ها به چشم می‌خورد، ریختن قبح لمس بازیگرهای زن و مرد است. این اتفاق در موقعیت‌هایی خیلی ساده و عادی مثل صدا زدن، نگاه داشتن شخصی که در حال رفتن است و همراه کردن دیگری با خود در یک مسیر شروع شده و... کجا متوقف خواهد شد؟

و سومین موضوعی که بیش‌ازپیش در سریال‌هایی مثل «رهایم کن» تکرار شده و مورد تأکید قرار می‌گیرد، مصرف مشروب و استفاده مکرر و افراطی از سیگار و همچنین سیگار کشیدن شخصیت‌های زن سریال است. گویی سریال یک نوع سبک زندگی را تبلیغ می‌کند. در یک سریال به عنوان یک محصول مصرفی خانواده، این موقعیت‌ها مثل قطعه‌های پازل کنار هم قرار می‌گیرند و فضایی جدید را به تصویر می‌کشند. فضایی که از خط قرمزهای اخلاقی عبور می‌کند و خبر از تلاش برای ترویج نگاه جدید در ساخت سریال می‌دهد.

این روند تا کجا ادامه خواهد داشت و چه کسی آن را به ضابطه و قانونی مقید خواهد کرد؟

